

۱۱۳	فصل سوم - ویژگیهای بزهکاری زنان و مردان
۱۱۴	مقدمه: ضرورت بررسی بزهکاری زنان و مردان
۱۱۷	مبحث اول: خصوصیات بزهکاری زنان
۱۲۲	گفتار اول: پیشینه تاریخی بزهکاری زنان
۱۲۵	گفتار دوم: مشارکت و تکرار جرم زنان
۱۲۵	۱- معاونت
۱۲۷	۱-۱ معاونت در قانون مجازات اسلامی
۱۲۸	۲- بزهکاری گروهی
۱۲۹	۳- تکرار جرم
۱۳۱	۱-۲ تکرار جرم در قانون مجازات اسلامی
۱۳۲	مبحث دوم: خصوصیات بزهکاری مردان
۱۳۴	گفتار اول: پیشینه تاریخی بزهکاری مردان
۱۳۴	گفتار دوم: مشارکت و تکرار جرم مردان
۱۳۴	۱- معاونت
۱۳۴	۲- بزهکاری گروهی
۱۳۵	۳- تکرار جرم
۱۳۶	فصل چهارم - مقایسه جرایم زنان و مردان
۱۳۷	مقدمه
۱۳۸	مبحث اول: ساختار جرایم زنان
۱۳۹	گفتار اول: جرایم علیه اشخاص
۱۴۰	۱- قتل
۱۴۱	۱-۱ قتل در قانون مجازات اسلامی
۱۴۱	۲-۱ تعدد و تکرار جرم قتل
۱۴۵	۲- انواع قتل
۱۴۵	۱-۲ شوهر کشی
۱۴۷	۲-۲ نوزاد کشی
۱۵۱	۳- کودک آزاری
۱۵۲	۴- سقط جنین
۱۵۲	۱-۴ سقط جنین در قانون مجازات اسلامی
۱۵۷	گفتار دوم: جرایم علیه اموال
۱۵۷	۱- سرقت
۱۵۸	۱-۱ سرقت در قانون مجازات اسلامی
۱۵۹	۲-۱ تعدد و تکرار جرم سرقت
۱۶۲	۲- کلاهبرداری
۱۶۳	۱-۲ کلاهبرداری در قانون مجازات اسلامی
۱۶۳	۲-۲ تعدد و تکرار جرم کلاهبرداری
۱۶۴	۳- جعل و تزویر
۱۶۴	۱-۳ جعل و تزویر در قانون مجازات اسلامی

۱۶۶	۲-۲- تمدد و تکرار جرم جعل و تزویر
۱۶۶	گفتار سوم: سایر جرایم
۱۶۶	۱- اعتیاد به مواد مخدر
۱۷۰	۲- جرایم جنسی
۱۷۰	۱-۲- جرایم جنسی در قانون مجازات اسلامی
۱۷۵	۲-۲- تمدد و تکرار در جرایم جنسی
۱۷۶	۳-۲- روسپیگری (فحشا)
۱۷۹	۴-۲- روسپیگری و فحشاء در قلمون مبارزه با قاچاق انسان
۱۸۱	۵-۲- تمدد و تکرار روسپیگری
۱۸۲	۳- قسم و شهادت دروغ
۱۸۳	۱-۳- قسم و شهادت دروغ در قلمون مجازات اسلامی
۱۸۵	مبحث دوم: ساختار جرایم مردان
۱۸۵	گفتار اول: جرایم علیه اشخاص
۱۸۵	۱- قتل
۱۸۷	۱-۱- حصرگشی
۱۸۸	۲-۱- قتل ناموسی
۱۸۹	۲- کودک آزاری
۱۸۹	گفتار دوم: جرایم علیه اموال
۱۹۰	۱- سرقت
۱۹۲	۲- کلاهبرداری
۱۹۳	گفتار سوم: سایر جرایم
۱۹۳	۱- اعتیاد به مواد مخدر
۱۹۲	۲- جرایم جنسی
۱۹۲	۱-۲- تجاوز به عنف
۱۹۶	۱-۲- تجاوز به عنف در قانون مجازات اسلامی
۲۰۱	مبحث سوم: تحول و افزایش بزهکاری زنان و مردان
۲۰۲	گفتار اول: نگاهی به امار
۲۰۵	گفتار دوم: جنسیت و جرایم رایانه ای
۲۰۸	فصل پنجم - عوامل بزهکاری زنان و مردان
۲۰۹	مقدمه
۲۱۰	مبحث اول: عوامل زیستی
۲۱۱	گفتار اول: تفاوت‌های زیستی زنان و مردان و نقش آن در بزهکاری
۲۱۳	مبحث دوم: عوامل اجتماعی
۲۱۵	گفتار اول: جامعه پذیری افتراقی زنان و مردان
۲۱۵	۱- جامعه پذیری افتراقی
۲۱۸	۲- نقد جامعه پذیری افتراقی
۲۱۹	گفتار دوم: کنترل اجتماعی و نقد آن

مبحث اول: مفاهیم و اصطلاحات

شناخت مجموعه‌ای از مفاهیم و اصطلاحاتی مقدمه هر علمی را تشکیل می‌دهد. به نحوی که آن علم برپایه آن مفاهیم قابل بررسی است. درسایه شناخت این مفاهیم است که نظریه پردازها در چارچوب آن علم به وجود می‌آید. متعاقب آن فرضه‌ها مطرح شده و در نهایت تایید یا رد می‌شوند. لذا برای درک بهتر موضوع حاضر سعی می‌کنیم مفاهیم و اصطلاحاتی که در رابطه با موضوع جنسیت وجود دارند را مورد توجه قرار داده و از این طریق بتوانیم درک درستی از این موضوع داشته باشیم.

گفتار اول: مفهوم جنس و جنسیت

۱. مفهوم جنس:

واژه جنس که معادل واژه لاتین (SEX) است رومی‌توان از دیدگاه‌های مختلف مورد توجه قرار داد. به طوری که هم منطبق با انسان و هم زیست‌شناسان برداشتی متفاوت از این واژه دارند. در یکی از فرهنگهای زبان فارسی ذیل واژه جنس چنین آمده است:

۱. قسم، صنف، دسته
 ۲. کلی‌ای که شامل انواع متعدد باشد مانند حیوان که شامل انسان و جانداران دیگر می‌شود.
 ۳. یکی از مدارج تقسیم بندی گیاهان و جانوران است.
 ۴. مردی و زنی، رجولیت و انوئیت.^۱
- از نظر منطق دانان جنس آن چیزی است که شامل انواع متعدد باشد؛ مثل حیوان که شامل انسان و سایر جانداران است. به عبارت دیگر جنس شامل انواع

۱. معین، محمد، فرهنگ معین، نشر زرین، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۲، ذیل واژه جنس

ونوع شامل اصناف و صنف شامل افراد می‌گردد.^۱ انسان و سایر جانداران انواع مختلفی از جنس حیوان در نظر گرفته می‌شوند. انواعی مختلف الحقیقه ای که دارای وحدت جنسی هستند. در یک تقسیم بندی جزئی تر، انسان را به صنف‌های متنوع می‌توان تقسیم نمود، مانند مرد و زن. بنابراین از نظر منطبق دانان مرد و زن دو صنف متفاوت از نوع مشترک به نام انسان هستند و جنس آنها هم حیوان است.^۲ لذا تفاوتی ذاتی و حقیقی بین زن و مرد نیست و هویت انسانی مشترکی بین آنها حکم فرما است. در قرآن کریم نیز به این امر تصریح گردیده است:

«ای مردم، از پروردگارتان که شما را از نفس واحدی آفرید و جفتش را نیز از او آفرید و از آن دو مرد و زن بسیاری پراکنده کرد، پروا دارید.» سوره نساء، آیه ۱

از نظر علم زیست شناسی هم می‌توان واژه جنس را مورد توجه قرار داد. در این صورت جنس نوعی دسته بندی زیستی است که نشانگرهای آن ویژگیهای ژنی هستند. جنس نوعی طبقه بندی بیولوژیکی است که در مرحله اول به وسیله مشخصه های فیزیکی و جسمانی نشان داده می‌شود^۳ و به تفاوتی موجود در اندام مردان و زنان ارجاع می‌گردد، به طوری که به تفاوتی زن و مرد از لحاظ بیولوژیکی (ساختار بدن) و فیزیولوژیکی (کارکرد بعضی بدن) اشاره دارد. بنابراین می‌توان گفت که جنس تفاوتی جسمی و زیستی بین زن و مرد است که از همان زمان شکل گیری سلولهای جنسی آشکار می‌شود. منشاء تفاوتی جنسی انسان، ماده ژنتیک است که در بیست و سه جفت کروموزوم سلول جنسی قرار دارند. جفت بیست و سوم این کروموزومها، کروموزوم جنسی بوده و با علامت XX برای جنس مونث و XY برای جنس مذکر مشخص می‌شود. تخمکهایی که توسط جنس

۱. عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، انتشارات امیرکبیر، چاپ دهم، تهران، ۱۳۷۶، ص ۴۷۲

۲. مقلتر، علامه محمدرضا، منطبق مقلتر، ترجمه علی شیروانی، انتشارات دارالعلم، چاپ دوازدهم،

تهران، ۱۳۸۲، ص ۱۲۲

۳. وایت، راب و فیونا هینس، درآمدی بر جرم و جرم شناسی، ترجمه میرروح الله صدیق بطحایی اصل،

نشر دادگستر، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۱، ص ۷۷

ماده ساخته می‌شوند دارای یک کروموزوم X و اسپرمهایی که توسط جنس نرساخته می‌شوند دارای یک کروموزوم X یا Y می‌باشند. اگر تخمک توسط اسپرمی که دارای کروموزوم X است بارور شود نوزاد دختر خواهد بود و اگر توسط اسپرمی با کروموزوم Y بارور شود، پسر خواهد بود. در تمام مراحل رشد جنین تفاوت‌های جنسی آشکار می‌گردد و بدین ترتیب انسانها به دو جنس مذکر یا مونث تقسیم می‌گردند.

۲. مفهوم جنسیت

واژه جنسیت به معنای حالت یا ماهیت جنس و همچنین رجولیت و انوثیت است.^۱ این اصطلاح معادل واژه لاتین (gender) می‌باشد که در معنای جنسیت، تذکیر و تانیث، مرد بودن و یا مردی و زنی آمده است. اصطلاح جنسیت، یک مقوله اجتماعی و هویتی برنده رفتارها، نقش‌ها، کنش‌ها و اندیشه‌های اجتماعی است که فرهنگ هر جامعه برمی‌دارد. در جنس زن و مرد می‌گذارد. جنسیت بخشی از فرهنگ آموخته شده به افراد جامعه است که در قالب نوع پوشش، ایما و اشاره، زبان، شغل و موارد نظیر آن نشان داده می‌شود. همچنین انتظارات اجتماعی را در برمی‌گیرد که هر جنس براساس آنها عمل می‌کند. جنسیت رفتارهایی است که فرهنگها و سنتها آنها را معین می‌کنند. خانواده، مدرسه، رسانه و سایر گروههای اجتماعی هر یک به نوبه خود تصویری کلیشه‌ای از رفتار مناسب هر جنس را به کودکان و نوجوانان می‌آموزند. به گونه‌ای که به تدریج براساس این تصورات، کودکان اطلاعاتی را در مورد ظاهر جسمانی، نگرشها و چگونگی برقراری ارتباطات اجتماعی متعلق به افراد هر جنسی را به دست می‌آورند. آنتونی گیدنز^۲ جامعه شناس انگلیسی، جنسیت را مفهومی روانشناختی، جامعه‌شناختی و فرهنگی از ویژگیهای مردانه و زنانه می‌داند و آن را بهترین معیار برای مقایسه و ارزیابی رفتار

۱. عمید، حسن، پیشین، ص ۷۲

2. Anthony Giddens

مردان و زنان در نظر می‌گیرد.^۱ بین دو اصطلاح جنس و جنسیت تفاوت اساسی به چشم می‌خورد. جنس به این موضوع اشاره دارد که یک فرد مرد است یا زن. تفاوت بین دو جنس براساس ویژگیهای زیستی تعیین می‌گردد. این در حالی است که جنسیت معرف باورها و رفتارهایی است که مرد بودن یا زن بودن را نشان می‌دهد و نوعی نقش اجتماعی است که هم مردان و هم زنان را در برمی‌گیرد. اینکه فرد به عنوان یک مرد یا یک زن چگونه رفتار می‌کند و دیگران با وی چگونه رفتار می‌نمایند، موضوعی است که به جنسیت شخص بستگی دارد. دکتر نجفی ایرندآبادی جرم‌شناس، معتقدند: «از دیدگاه جنسیت فمینیسم جنسیت در مقابل جنس قرار دارد در حالی که جنس مفهومی زیست‌شناختی است جنسیت به حقوق و تکالیف زن و مرد باز می‌گردد یعنی هویت اجتماعی آنها را که جنس نیز در آن نقش دارد مشخص می‌کند»^۲ جنسیت بیشتر دارای بار حقوقی است. ولی جنس دارای بار معنایی زیست‌شناختی است. جنسیت نه یک واقعیت طبیعی که نوعی فرآورده پیچیده اجتماعی، تاریخی و فرهنگی است. روابط جنسیتی افراد، نظم دهنده اساس نهادهای اجتماعی و زندگی اجتماعی است.

مفاهیم و تصورات مربوط به مرد و زن بودن جهانی شمول نیستند، بلکه با توجه به فرهنگهای متنوع جوامع، اعصار و سرزمینهای مختلف متغییرند. در حالی که در برخی جوامع خصوصیات مردان و زنان ممکن است متفاوت باشد، در برخی جوامع دیگر نیز شاهد خصوصیات مشترک بین آنها می‌باشیم که فارغ از تفاوتهای جنسیتی است. مثلاً در روم باستان در دولت - شهر اسپارت مردان و زنان به طور مساوی جنگجویانی خشن و تنومند بودند. تحقیقاتی که مارگارت مید^۳ در سالهای

۱. گیدنز، آنتونی، جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، نشر نی، چاپ سوم، تهران، ۱۳۷۶، ص ۱۷۳

۲. نجفی ایرندآبادی، علی حسین، تقریرات درس جرم‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده حقوق،

(سال تحصیلی ۷۳-۷۲)، ص ۱۰۹

3. Margaret Mead

تاریخ بشر وجود رفتارهای تبعیض آمیز جنسیتی منجر به اعمال محدودیتهای زیادی برای زنان گردیده است. بیشتر اشکال تبعیض جنسیتی از همان دوران کودکی و در جریان جامعه پذیری افراد و نحوه تعامل و رفتار والدین با فرزندان قابل مشاهده است به طوری که مطالعات انجام شده در مورد برخورد پدر و مادر با فرزند بسته به نوع جنسشان ثابت می‌کند که آنها برخوردهایی متفاوت با کودکان پسر یا دختر دارند.^۱ حدود نیمی از مردم جهان را زنان تشکیل می‌دهند. براساس قوانین خلقت و آفرینش آسمان، هیچ تفاوتی بین زنان و مردان نیست. قرآن کریم هم در موارد بسیاری به این امر تصریح نموده است. از جمله در سوره اعراف چنین آمده است:

«وَأَوْتَيْنَاكَ كِتَابًا فَتَمَاهِدْهَا وَمَأْوَاهَا فِي يَدَيْكَ وَأَتَىٰ بِهَا طَائِفًا مِّنَ عِبَادِ اللَّهِ كَذِبًا وَأَصْحَابًا أُمِّيًّا فَكَذَّبُوا بِهَا فَوَيْلٌ لِّلَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّا سَاءُ مُجْرِمِينَ»

آورد تا بدان آرام گیرد.

با وجود این برخی، زنان را جنس دوم و یا جنس ضعیف قلمداد می‌کنند. تبعیض جنسیتی در فرهنگهای گوناگون و در اشکال متفاوت مشهود بوده به گونه‌ای که در عصر حاضر و در جوامع مختلف بین زنان و مردان می‌توان جلوه‌هایی از آن را مشاهده نمود.

۲. رشد جنسیتی

یکی دیگر از مفاهیم مرتبط با جنسیت رشد جنسیتی است. منظور از رشد جنسیتی اینکه کودکان چگونه و طی چه فرایندی از جنسیت خودشان آگاه می‌شوند و متناسب با آن، رفتارها و الگوهای اجتماعی را برمی‌گزینند و به عنوان یک دختر و یا یک پسر نقش خود را ایفا می‌کند. در رابطه با رشد جنسیتی افراد، سه نظریه وجود دارد که به این شرح هستند.

- ۱- نظریه شناخت غریزی: در این دیدگاه کودک به صورت ذاتی و غریزی مسائل مربوط به جنسیت را می‌آموزد. به همان نحوی که یاد می‌گیرد آتش گرم است و یخ سرد، دختر و یا پسر بودن خود را نیز می‌آموزد.

۲- نظریه یادگیری اجتماعی: برخی از جامعه شناسان معتقدند که یادگیری نقشهای جنسیتی از طریق مشاهده و تقلید و تعامل با دیگران به دست می‌آید. برخورد با والدین و همسالان به او کمک می‌کند که به این سطح از آگاهی برسد که آیا او دختر است یا پسر.

۳- نظریه روان کاوی: این نظریه مبتنی بر دیدگاه فروید می‌باشد. براساس دیدگاه او آگاهی کودک از جنسیت خود براساس شناخت او از کارکردهای برخی اندامهای فیزیکی به دست می‌آید. فمینیستها ضمن انتقاد از این دیدگاه بر این باورند که این تئوری که فروید مطرح نموده از درک جامعه‌پذیری مبتنی بر جنسیت و نقشهای جنسیتی عاجز بوده و در نتیجه نظریه فوق‌الذکر بر این مسئله تاکید دارد که مادر بودن سرنوشت محتوم دختر بودن است.

به نظر می‌رسد مجموعه‌ای از سه رویکرد زیستی، اجتماعی و روانی در فرآیند رشد جنسیت لازم است تا یک فرد بتواند آن‌طور که باید و شاید خود را بشناسد و بتواند با سایر افراد جامعه تعامل داشته باشد.

۳. مرد سالاری

مردسالاری معادل اصطلاح لاتین (patriarchy) می‌باشد که به معنای پدر سالاری و مرد سالاری است.^۱ این واژه متشکل از دو واژه (pater) به معنای پدر و (archy) به معنای حکومت و نظام است. این اصطلاح قبل از اینکه توسط فمینیستها مطرح شود در علوم اجتماعی کاربرد داشت؛ به عنوان نمونه رادکلیف براون^۱ جامعه‌ای را مردسالار می‌داند که در آن پدرسالاری و پدرنسی و پدرمکانی دیده شود. از لحاظ تاریخی این اصطلاح تداعی کننده یک نظام حکومتی است که

۱. حق شناسی، علی محمد و دیگران، فرهنگ معاصر هزاره، انتشارات فرهنگ معاصر، چاپ پنجم،

تهران ۱۳۸۶، ص ۲۰